

بسم الله الرحمن الرحيم

## روش تربیت و ساخت فرد و اجتماع

هر فرد و اجتماعی بر پایه تربیت و فرهنگی که دارد و بر پایه ساخت و ماهیتی که پیدا کرده است، تربیت و ساخته میشود. بدین صورت، تربیت و ساخت هر فرد و جامعه‌ای، نیازمند اتکاء به آن نظام تربیتی و فرهنگی است که در آن بزرگ شده است. به عبارت دیگر، نظام تربیتی و فرهنگی هر جامعه‌ای، دارای پایه‌ها، اصول، ارزشها، و روشهای خاصی است که فرد و اجتماع بر اساس آنها و با توجه به اهداف آنها، تربیت و ساخته میشود.

برای تربیت و ساخت جدید فرد و جامعه باید از نظامهای تربیتی و فرهنگی موجود و موثر در تربیت و ساخت جامعه و افراد استفاده کرد، تا تربیت جدید میسر گردد و فرد و اجتماع از نو ساخته شوند. و تربیت و ساخت جدید، زمینه مناسبی برای تربیت و ساخت فرد و اجتماع به روش مطلوب و تکامل آفرین توحیدی و بر پایه افکار و عقاید توحیدی است.

در دوران انتقال، یعنی «از تربیت و ساخت قدیم به تربیت و ساخت جدید» از «روشهای دیگری» غیر از روشهای موثر در تربیت و ساخت جامعه و افراد موجود نیز میتوان استفاده کرد، هنگامیکه زمینه‌ها ایجاد شوند. منظور از روشهای دیگر، روشهایی است که در مراحل بالاتر تکامل اجتماعی و برای تحقق انقلاب توحیدی اسلام، زمینه و ضرورت پیدا میکنند. روشهایی که فرد و جامعه ما قبل این تحولات، به سادگی توان فهم و هضم آنها را ندارند، و تحولات اجتماعی باید به تدریج و بر اساس اصل «انقلاب تدریجی پویا» مراحل خود را طی کند. مثلاً اگر بخواهیم فقه سنتی را (فقه عرفی - فقهی که بعضی از تعالیم آن، جزو ارزشهای مطلق اجتماعی گشته است) بر آیات قرآن متکی نماییم و آن را اجتهادی گردانیم و در طی تکامل آن را بر چرخ اجتهاد سوار کنیم، بدون توجه به سنن اجتماعی و مرحله تکامل اجتماعی، دچار مشاکل بسیاری خواهیم شد، و به قول اقبال، ایجاد تحول در فقه (در میدان عمل) میتواند خونریزیها و آشوبهای بزرگ اجتماعی را به دنبال آورد. چیزی که اهداف تحول را میتواند عقیم گرداند.

سماء معتقد است که فرد و اجتماع باید با هم تربیت شوند و ساخت جدید پیدا کنند. بدون تربیت جامعه، تربیت فرد بسیار مشکل است، و بدون تربیت افراد، تربیت اجتماع نیز بسیار متزلزل میباشد. گرچه تغییر و تحولات اجتماعی باعث میشود که افراد به آسانی تغییر کنند و تربیت شوند. اما افرادی که تحت جو حاکم بر جامعه تغییر میکنند، با تغییر اوضاع و جهتگیری مجدد جامعه، میتوانند بازگشت کنند، و از ثبات قدم اندکی برخوردار هستند، و به اصطلاح قرآن « فوجی » میباشد و ایمان وارد قلب و قدم آنها نشده است.

همچنین کاری که بر اساس تربیت و تغییر افراد پیش میرود، به سختی به نتیجه میرسد، چون این فرد است که معمولاً زیر نفوذ جامعه و ارزشهای اجتماعی قرارداد تاجامعه زیر نفوذ فرد و ارزشهای فردی. کار فردی، هم به زحمت حرکت می کند و هم با توجه به اینکه تربیت فردی، نیازمند داعیان و مربیان زیاد است، نتیجه محدودی بدنبال دارد. علاوه بر این، زمانی که این افراد در مقابل جامعه خود قرار می گیرند، دچار مشاکل زیاد و سرزنشهای بسیاری میشوند، و در این میان بعضاً به تربیتهای خود پشت میکنند و مجدداً به ماقبل تربیت بازگشت میکنند. اینست که کوشش برای تغییر فرد و اجتماع (با هم و بصورت مشترک) بهترین روش حرکت و تربیت انقلابی و توحیدی و ایجاد فرد و جامعه جدید است. بنابراین و بطور کلی، فرد و اجتماع به سه روش تربیت و ساخته میشوند:

**۱- تربیت و ساخت به روش فردی**، که عبارت است از روشی که متکی به فرد و متوجه افراد است و میخواهد از طریق کار روی افراد جامعه و تکثر آنها، جامعه نیز تغییر کند، و اهداف مورد نظر که فرد و جامعه جدید است، حاصل شوند. این روش میخواهد از طریق تغییر افراد به تغییرات اجتماعی نائل شود، چونکه این روش اصالت را در فرد میبیند و به فردیت توجه اساسی میکند و افراد تربیت شده و ساخته شده را منشأ تحول جامعه میداند. و به این نکته مهم که فرد چقدر تحت تأثیر اجتماع است، کمتر توجه میکند.

**۲- تربیت و ساخت به روش اجتماعی**، که عبارت است از روشی که متوجه جمع و جامعه و مجتمع است و بیشتر روی اجتماع کار میکند و بصورت عمومی مردم را مخاطب قرار میدهد. این روش بیشتر به اصالت اجتماع اهمیت می دهد و فرد را خیلی تحت تأثیر جامعه می بیند و استقلال فرد را کمتر برسمیت میشناسد و تصور میکند با تغییر جامعه و ارزشهای آن، افراد هم تابع جامعه میشوند و خود به خود تغییر میکنند. اینست که این روش بجای کار روی فرد و کوشش برای تربیت افراد، به تغییر نهادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، آداب و رسوم اجتماعی، و ارزشهای اجتماعی اهتمام می دهد و میخواهد از طریق تغییرات اجتماعی، تغییر

و موضعگیری جدید افراد هم حاصل شود .

۳- **تربیت و ساخت به روش مشترک (همزمان)** ، که عبارت است از روش تربیتی که هم به فردیت فرد توجه میکند و روی آن حساب باز میکند و هم روی اجتماع و نهادهای اجتماعی و ارزشهای اجتماعی و سنن اجتماعی کار میکند و برای تغییر آنها تلاش میورزد . این روش مبنی بر این نظر است : همانگونه که فرد و افراد ، وابسته به اجتماع هستند ، جامعه و ارزشهای اجتماعی هم تحت تأثیر عناصر اجتماعی و شخصیت‌های فردی هستند ، و منشاء اکثر انقلابات و تغییرات ، علاوه بر توجهات اجتماعی ، ناشی از ابتکارات فردی و شخصیت‌های برگزیده میباشند . البته در این شکی نیست که تا جامعه‌ای تکامل یافته تر باشد ، افراد آن جامعه ، از استقلال بیشتری برخوردار هستند . و تا مجتمعی عقب مانده تر باشد ، فردیت در آن ، مرده تر و استقلال فردی نامحسوستر است ، و فرد و فردیت در آن ، زیر سنن و ارزشهای اجتماعی حاکم قرار میگیرد و فردیت تا حد زیادی منحل میشود . در نتیجه فردیت یک فرد ، وابسته به درجه تکامل آن ، و استقلال آن ، و وابسته به میزان بیرون آمدن از ارزشها و سنن اجتماعی است . بنابر این ، و با توجه به اینکه فرد و اجتماع از هم تأثیر می پذیرند ، روش مشترک ، هم به جامعه و کار روی نهادها و سنن اجتماعی و تغییرات سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و.... بهاء میدهد ، و هم به کار ویژه و تربیت و ساخت فردیت و شخصیت مورد نظر میپردازد ، و این اشتراک و همزمانی و توجه به فرد و مجتمع ، تغییرات اساسی و تربیت و ساخت جدید فرد و اجتماع را سهل تر و امکان پذیر تر می گردانند . اما اینکه باید به کدام یک توجه بیشتری بشود و کدام یک پایه تغییر دیگری قرار میگیرد ، این وابسته به فرد و اجتماعی است که روی آن کار میشود و نیازمند تغییرات هستند . در چنین جایی باید فهم کرد که کدام یک بیشتر وابسته به دیگری است .

در این سه روش و نظام تربیتی ، موادی وجود دارند که باید آنها را بکار گرفت ، و آنها عبارتند از :

### ۱- قوانین پذیرفته شده حاکم و غیر حاکم

داعیان و تربیت کنندگان و سازندگان فرد و اجتماع ، و ناشران فرهنگ و هویت ، جهت پیشبرد کار خود و پشت سر گذاشتن موانع و موفقیت در فعالیتهای ، باید از قوانین پذیرفته شده ، اعم از اینکه این قوانین از طرف نظام سیاسی حاکم رسمیت داشته و در قوانین اساسی و مدنی و مملکتی آمده باشند ، و چه این قوانین ، حالت مقبولیت عامه داشته باشند ، ولی به دلیل عدم وجود زمینه و یا نبود آزادی ، در صحنه اجتماعی اعمال نشوند ، کمک بگیرند ، و در راه تحرک فرد و اجتماع ، آنها را

به صحنه آورند و برای پیشبرد اهداف مشروع خود هر چه بیشتر بوسیله آنها شرعیت کسب کنند ، و به قوانین مذکور استناد جویند . بدیهی است که یک مسلمان و یک جامعه اسلامی ، قانونی را میپذیرد که نشأت گرفته از قرآن و سنت مُسَلِّم محمد مصطفی(ص) و متکی به قوانین علمی و عقل بشری باشد و یا در راستای این منابع قرار داشته باشد .

## ۲- عرف عمومی و مورد احترام اجتماعی

یکی دیگر از مواد تربیت و ساخت فرد و اجتماع ، عرف عمومی و مورد احترام است . و منظور از عرف عمومی ، ارزشها ، رسومات ، سنن اجتماعی ، و مسلمات اخلاقی هستند ، که در صحنه اجتماعی ، و در عمق خانواده ها ، و در میان آحاد مردم ، حضور دارند ، و اکثراً اعمال و اجراء میشوند ، و جزو هویت اصیل فرد و اجتماع میباشند . اینست که داعیان و مربیان فرد و اجتماع و سازندگان فرهنگ و هویت مشترک ، باید از ارزشها و سنن و عادات مستقر شده بهره گیرند و آنچه سودمند و تکامل بخش است ، ترویج و تبلیغ نمایند ، و متخلفین را در مقابل عرف عمومی و اصول اخلاقی قرار دهند ، و در شفافیت بخشیدن به صحنه اجتماعی کوشا و جدی باشند . در میان مسلمین وجوامع اسلامی نیز ، ارزشها و سنن و رسومی را که منشاء دینی و اسلامی دارند باید مورد توجه ویژه قرار گیرند و روی آنها کار اساسی صورت گیرد ، تا مؤثر شوند ، و جامعه روی اعمال و عدم اعمال آنها حساس گردد .

## ۳- عقل و تجربه بشری

عقل و تجربه بشری اعم از : عقل و تجربه بشریت گذشته ، عقل و تجربه معاصرین ، و تصور و پیشبینی های عقلی بشریت ، تکیه گاه اساسی و یکی از پایه های تربیت و ساخت فرد و اجتماع است . عقل بشری ، همانگونه که در مرآنامه سماء آمده است ، وسیله تشخیص و شناخت بشری ، و وسیله انتخاب خوبی ها و طرد بدیها ، و ملاک انسان بودن است . بشریت با داشتن قوه عقل تشخیص دهنده ، میتواند راههای نتیجه بخش را بیابد ، و برای زندگی خود ، وسایل و راههای جدیدی ابتکار نماید . همچنین بشریت میتواند از عقل فعال و تشخیص دهنده و تبیین گر خود ، در تربیت و ساخت فرد و اجتماع و در ایجاد فرهنگ و هویت فرهنگی جامعه ، بهره برداری کند و راههای رسیدن به هدف خود را بگشاید .

استدلال کردن برای اقناع و کسب رضایت فرد و اجتماع ، یکی از وسایل و روشهای عقلی است ، و تا استدلال قوی تر و عمیق تر باشد و بتواند واقعیتها را بیشتر منعکس نماید ، پیشرفت کار و فعالیت بوسیله استدلال ، امکان پذیرتر خواهد بود . در نتیجه استدلالی میتواند مؤثر باشد که بیانگر و شکافنده واقیعیاتی باشد که هنوز شکافته نشده اند ، و استدلال متکی به واقعیات و معقول و راهگشا ، آنها را روشن و به صحنه

اجتماع می آورد و در دسترس اذهان عمومی قرار می دهد .  
مباحثه و مناظره و تبادل آراء و به صحنه آوردن مواضع مختلف و آنها را کنار هم  
قرار دادن و قضاوت عمومی را در این باره طلبیدن ، یکی دیگر از راههای تربیت و  
ساخت فرد و اجتماع و راهی برای ایجاد فرهنگ و هویت متعالی فردی و اجتماعی  
است . گرچه اجرای مباحثات و مناظرات، نیازمند آزادی بیان بیشتری است ، و در  
عین حال باید مواظب بود که مباحثات و مناظرات ، وارد میدان مجادلات بیفایده  
و بی ثمر و نزاع آفرین نگردد و از محدوده مجادله احسن ( مباحثه و مناظره  
مفید و مؤثر ) خارج نشود ، که خارج شدن از آن ، نشانه بی عقلی و بی تجربگی و یا  
ناشی از عدم توجه به عقل و تجربه بشری و آیات قرآنی است .

#### ۴- قوانین تکوینی ( طبیعی )

تکیه به قوانین الهی حاکم بر خلقت (طبیعت ) در تربیت و ساخت فرد و اجتماع ،  
( که وحی تکوینی محسوب میشوند ) ، و بکارگیری آنها در ایجاد فرهنگ و هویت  
فردی و اجتماعی ، یکی از عوامل موفقیت در این میدان و راه رسیدن به مقصد در  
قضیه تربیت و ساخت فرد و اجتماع و جهت دهی فرهنگی و هویتی به آنهاست .  
بشریت را میتوان به جای متکی شدن به خرافات ، به قوانین علمی و الهی حاکم  
بر خلقت و طبیعت متکی کرد ، و به فرد و اجتماع ، بینش و نگرش علمی و واقعی  
داد . فرد و جامعه مسلمان قرنهایست که از بینش خرافی و ضد علمی و خلاف توحید  
رنج میبرد ، و ارائه قوانین تکوینی و حاکم بر خلقت به عنوان قوانین الهی و وحی  
تکوینی ، و تغییر نگرش و بینش فردی و اجتماعی از خرافه پرستی به واقع نگری  
و ایجاد نظام تربیتی و ساخت فرهنگ و هویت بر این اساس ، یک کار و فعالیت  
مبارک و نجاتبخش ، و درعین حال ، ممکن و زمینه دار و قرین موفقیت میباشد .

#### ۵- عواطف و مشاعر انسانی

ازدیگر وسایل تربیت و ساخت هویت فردی و فرهنگ اجتماعی ، استفاده و بکارگیری  
عواطف و مشاعر انسانی و جای احترام میباشد . بکارگیری عاقلانه عواطف و  
برانگیختن وجدانهای جوشان فرد و اجتماع ، میتواند نقش بزرگی در تغییر و تحول  
فرد و جامعه ایفاء و حتی منشاء نظام تربیتی و پایه ساخت جدید فرد و اجتماع  
قرار گیرد . کاری که عواطف و مشاعر فردی و اجتماعی قادر به آن هستند ، کمتر  
چیزی قادر و توانا بدان است . زیرا عواطف و مشاعر فرد و اجتماع ، علاوه بر ایجاد توان  
و اراده بزرگ ، روحیه فداکاری و از خودگذشتگی را در فرد و جامعه فوران میسازند .  
اینست که در راه تربیت و ساخت جدید فرد و اجتماع و رسیدن به فرهنگ و هویت ،  
باید عواطف و مشاعر انسانی را بکار گرفت و در عین حال باید بدان جهت بخشید .  
چون اگر به عواطف و مشاعر فرد و جامعه جهت داده نشود، تنها بصورت احساسات

کور و بی هدف ظهور میکند ، و به دلیل وجود و حضور توان و قدرت فوق العاده فرد و اجتماع ، میتواند از مهار و مقاصد مورد نظر خارج شود و بسیار مخرب گردد ، که این نوع بیشتر ناشی از ناتوانی و حمله و غلبه اعصاب است . بدیهی است که مشاعر و عواطف بشری، ریشه در وجدان فرد و اجتماع دارد ، و ماهیت آن نیز ، وابسته به هویت تربیتی و ساخت فرهنگی فرد و جامعه است .

## ۶- قدرت و اجرای تعهدات

آخرین موردی که باید آن را در جریان تربیت و ساخت فرهنگ و هویت فرد و اجتماع بکار گرفت ، استفاده از قدرت مشروع است، زمانی که افرادی از تعهدات خود تخلف ورزند . اجرای قوانین و تنفیذ چیزهایی که فرد و اجتماع ، بر اساس آگاهی و اختیار خود ، در رابطه با آنها متعهد شده اند، یک ضرورت است. و در راه ایجاد زمینه تحول و پیشرفت ، خواه ناخواه ، باید چیزهایی که مردم بدانها رأی داده و در رابطه با آنها تعهد سپرده اند ، اجراء شوند . و چون در میان مردم کسان متخلفی ممکن است یافت شوند ، بکارگیری قدرت مشروع و قانونی، جهت اجرای تعهدات، و برای رسیدن به مقصد و خواسته های از پیش تعیین شده ، و ایجاد نظام و تربیت و ساخت مورد نظر ، و جامعه عمل پوشیدن ضرورتها ، الزامی و واجب میشود .

در تربیت و ساخت فرد و اجتماع ، در هر یک از سه روش و نظام تربیتی ، این مواد دخیل هستند ، ولی ماده اساسی و مسلط کدام است ، بستگی به تربیت و ساخت موجود فرد و جامعه دارد ، که باید آن را شناخت و در راستای تربیت و ساخت جدید از آن بهره گرفت . ( لازم به ذکر است که استفاده از این مواد ششگانه و بکارگیری آنها در میدان تربیت و ساخت فرد و اجتماع ، نیازمند شناخت جامعه مورد نظر و شناخت سطوح لیاقت های فردی و توجه به زمان و مکان بکارگیری این اصول و ارائه شرح و امثله مربوطه است ) .

موسی عمران ( علی تشارکی )

رهبر سازمان موحدین آزادیخواه ایران

۶ ذوالقعدة ۱۴۲۲ - ۳۰ دی ۱۳۸۰